

نخستین منزل

- ۱- مرگ یک امر حتمی است
- ۲- صحنه عوض می شود و پرده ها برکنار می رود

برای شناخت کامل «معاد» طرح مباحث متعددی لازم است زیرا این سفر طولانی و بسیار با اهمیتی که سیر به سوی خداوند و حرکت به طرف صحنه ای است که خدای «احکم الحاکمین» در آنجا حاکم خواهد بود و عزیمت به سوی مقصدی است که جهان ابدی و جاوید است دارای منازل و مراحل متعددی است که باید آنها، منزل به منزل بلکه در صورت امکان گام به گام مورد بحث و بررسی قرار بگیرد تا شناخت بهتر حاصل گردد.

نخستین منزل

نخستین منزل «معاد» مرگ است مرگ در حقیقت دروازه ای است که با عبور از آن انسان وارد عالم دیگر می گردد که «عالم برزخ»- یعنی: عالمی که فاصله میان مرگ و روز قیامت است- نامیده می شود و با پلی است که دنیا را به آخرت متصل می گرداند.

باید توجه داشت که بر اساس دلائل عقلی و نقلی که قسمتی از آنها را در ضمن اقامه برهان برای اثبات معاد ذکر کردیم «مرگ» به معنای از کار افتادن حس و حرکت بدن انسان یا از بین رفتن زندگی انسان نیست بلکه «مرگ» تحوّل و تطوّر است «مرگ» غروب از یک نشاء و طلوع در نشاء دیگر است «مرگ» از دست دادن یک حالت و بدست آوردن حالت دیگر

قسمت نهم

معاد

آیت الله حسین نوری

است و بر اساس همین تفسیر است که دیدگاه انبیین و مادیین فرق می کند و تفاوت جهان بینی الهی با جهان بینی مادی روشن می گردد.

و اینکه ما همیشه به حقیقت مرگ شهادت می دهیم و عبارت «أَشْهَدُ أَنْ الْمَوْتَ حَقٌّ» را یکی از شعارهای معارف اعتقادی جنود قلمداد می کنیم بر پایه همین تفسیر است و این مطلب یکی از پایه های مهم مباحث معاد است.

در رابطه با مسأله مرگ بر اساس آیات قرآنی و احادیث بسیاری که از اهل بیت سلام الله علیهم وارد گردیده است مطالب بسیاری وجود دارد که لازم است با توفیق خداوند متعال آنها را مورد توجه قرار بدهیم:

۱- مرگ یک امر حتمی است

یکی از مطالبی که در رابطه با مرگ باید بآن توجه کنیم این است که مرگ برای انسانها یک امر حتمی و مسلم است که با قلم تقدیر خداوندی بر همگان نوشته شده

است.

قرآن کریم می فرماید: «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ»^۱ یعنی ما مرگ را میان شما مقدر ساخته ایم و هیچکس بر قدرت ما غلبه نخواهد کرد.

حضرت امیر مؤمنان(ع) می فرماید:

قَلُّوْا أَنْ أَخَذَ تَجِدُوا إِلَى السَّعَاءِ سَلْمًا أَوْ إِلَى دَفْعِ الْمَوْتِ سَبِيلًا لَكَانَ ذَلِكَ سَلْمَانَ بِنِ دَاوُدَ الَّذِي سُخِّرَ لَهُ مَلَكُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مَعَ السُّبُوَّةِ وَعَظِيمِ الرَّزْقَةِ فَلَمَّا اسْتَوْفَى طَعْمَهُ وَاسْتَكْمَلَ مَدَنَهُ رَقَنَهُ فَمَسِيَ الْفَنَاءَ بِبَالِ الْمَوْتِ»^۲

اگر کسی در دنیا نردبانی برای باقی ماندن یا راهی برای جلوگیری از مرگ پیدا می کرد آن کس شایسته بود که حضرت سلیمان(ع) فرزند حضرت داود(ع) باشد زیرا سلطنت جن و انس برای او فراهم گردیده بود بعلاوه دارای مقام پیغمبری و موقعیت عظیم بود ولی همینقدر که روزی مقدر خود را در دنیا به پایان رساند و مدت زندگی خود را بسربرد کمان فنا و نیستی (از این جهان) با تیر مرگ او را از پای درآورد و بزنگی این جهانش پایان بخشید.

البته این مرگ نیز بر حسب تقدیر خداوندی مقدمه قیامت و جزای اعمال است.

در قرآن مجید در ۳ مورد این عبارت ذکر شده است:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» هر فردی از

انسان بالأخره طعم مرگ را خواهد چشید.

ولی در هر مورد پس از ذکر آن، عبارتی که مرگ را با معاد مرتبط می سازد را ذکر نموده است:

در سورة آل عمران فرمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَأَلَمَّا تُؤْتَوْنَ أَجْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳.

یعنی هر فردی از انسان طعم مرگ را خواهد چشید و شما انسانها مزدهای اعمال خود را در روز قیامت باز خواهید یافت.

در سوره انبیاء ابتداء آورده است: «وَمَا جَعَلْنَا لِشَرِّهِمْ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ يَمِثُّهُمْ الْعَالِدُونَ».

یعنی: برای هیچ بشری پیش از تو (ای پیغمبر) زندگی جاوید در دنیا فرارنده ایم آیا اگر تو بمیری اینها بعد از تو همیشه زنده خواهند بود و زندگی جاوید خواهند یافت؟ از آن پس فرمود «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوْكُمْ بِالْأَسْرِ وَالْخَيْرِ فِئْتَهُ وَاللَّيْنَا تُرْجَعُونَ»!

یعنی هر فردی چشیده مرگ است و شما را بوسیله پیش آمدها رنجها مصیبتها و نعمتها و وظائف و تکالیفی که در برابر آنها دارید امتحان می کنیم و پس از آن بسوی ما باز می گردید».

علامه طباطبائی رضوان الله علیه در این مورد در تفسیر المیزان می گوید:

این عبارت اشاره است باینکه مرگ برای هر انسان زنده حتمی است زیرا زندگی هر انسان بر اساس این آیه زندگی امتحانی است و روشن است که امتحان و آزمایش همواره مقلّمه است و چیزی که جنبه مقدمی دارد هرگز همیشگی نمی تواند باشد و امتحان مقدمه است برای نتیجه ای که در نظر گرفته شده است و نتیجه این امتحان بازگشت بسوی خدا و باز یافتن و بدست آوردن جزای اعمال است».^۵

در سوره عنکبوت نیز می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» یعنی: «هر انسانی طعم مرگ را خواهد چشید و همه شما بسوی ما باز می گردید».

۲- صحنه عوض می شود و پرده ها برکنار می رود

بمحض اینکه مرگ انسان تحقق یافت و او از این دروازه عبور کرد و گام در جهان دیگر نهاد و چشم بر صحنه آن جهان گشود

بسیاری از رسوم و جریانهائی که در دنیا تحقق داشت از بین می رود:

در این دنیا انسانها در زندگی خود معمولاً با دو نوع از موجودات ارتباط بیشتر دارند.

۱- اشیاء

اشیائی از قبیل اموال: زینت ها و زخارف اینجهان مقام ها و منصب ها که انسان بوسیله آنها به اهداف خود نائل می گردد و از آنها استفاده می کند.

۲- اشخاص

اشخاصی از قبیل زن و فرزند و خویشاوند و رفیق و مصاحب و رئیس و فرمانبردار و زبردست که انسان بوسیله ارتباط با آنها زندگی می کند و بزندگی خود رنگ و رونق می بخشد.

اذا بمجرد اینکه میباید ارتباط او با این دو نوع از موجودات قطع می شود و به جهانی گام می گذارد که این رابطه ها در آنجا وجود ندارد.

قرآن کریم این موضوع را با این عبارت بیان فرموده است:

«لَقَدْ جِئْتُمُونَا فَرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْكُمَا خَوْفَنَا كَمَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَنْ أَرَى مَعَكُمْ شُفَعَانِكُمْ وَالَّذِينَ رَضَعْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَهَلْ عَنكُم مَّا كُنْتُمْ تُرْجَعُونَ»^۶

یعنی شما تنها و جدا از همه چیز همانطور که شما را در آغاز آفریدیم بسوی ما آمدید و آنچه را که در دنیا بشما داده بودیم همه را پشت سر گذاشتید و آن شفیعیانی که در زندگی خود آنان را شریک خویش می پنداشتید را همراه شما نمی بینیم و میان شما و آنها ارتباط قطع شده است و آنچه را که گمان می کردید به شما کمک خواهند کرد از دستتان خارج گردیده است.

که در این آیه مبارکه عبارت «و تَرْكُمَا» ما خَوْفَنَا كَمَا اشاره به نوع اول «وما نری

معكم شفعاثكم» اشاره به نوع دوم از موجوداتی است که ذکر گردید.

حضرت امیر مؤمنان (ع) فرمودند: مال و فرزند و عمل انسان در آخرین روز از زندگی دنیا و نخستین روز از زندگی آخرت او، در برابر دیدگانش مجسم می گردد.

انسان در این حال نخست روی به مال خود می آورد و بان می گوید قسم بخداوند که من نسبت به تو حرص فراوانی داشتم، تو امروز نسبت به من چه کاری را انجام می دهی؟ مال در پاسخ می گوید: «کفن خود را از من بردار» از آن پس روی به فرزندان خود می کند و به آنان می گوید من شما را بسیار دوست می داشتم و از شما حمایت می کردم و پشتیبان شما بودم. شما امروز نسبت به من چه کاری را انجام می دهید؟

آنها در جواب می گویند: تو را تا لب گور همراهی می کنیم و به خاکت می سپاریم».

از آن پس روی به عمل خود می آورد و می گوید سوگند بخدا که من برای تو اهمیتی زیادی قائل نبودم و تو بر من گران و سنگین بودی و در عین حال امروز چه نقشی را ایفا می کنی؟

عمل انسان در پاسخ می گوید: من در خانه قبر همراه تو هستم و همچنین تا روز محشر با تو همراهم تا مرا با توبه به پیشگاه پروردگار عرضه بدارند».^۸

نوائگیری نه بمالست نزد اهل کمال که مال تا لب گور است و بعد از آن اعمال از طرف دیگر پس از مرگ پرده ها بالا می رود و درک و فهم و هوش انسان افزایش می یابد و بسیاری از حقایق را که در زندگی از

بیه در صفحه ۲۵

وحشیان تاریخ ناچار شد خدایان آنها را به نیکی یاد کند و آنچه از او خواستند بر زبان جاری سازد تا آنها او را آزاد کردند، و عمار پس از این ماجرا گریبان بنزد رسول خدا (ص) آمد و آنحضرت او را در شهادت پدر و مادرش تسلیت گفت ولی عمار همچنان می گریست و از سخنانی که بمنظور رهائی خود گفته بود سخت ناراحت بود، رسول خدا بدو فرمود:

«کیف نجد قلبک با عمار؟»

دلتم را چگونه یافتی؟

عرضکرد:

«آنه مطمئن بالایمان یا رسول الله»

ای رسول خدا دلم به ایمان محکم و مطمئن است!

فرمود: پس ناراحت نباش و باکی بر تو نیست و اگر از این پس نیز تو را تحت شکنجه و فشار قرار دادند باز هم همین گونه رفتار کن که در باره ات نازل شده است:

«... الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان»*

(پایان گفتار مؤلف سیرة المصطفی)

و در پاره ای از نقلها داستان شهادت ستمیه را اینگونه نقل کرده اند که پاهای آنزن با ایمان را از دو جهت مخالف بر دو شتر بستند و سپس با حریره ای بدنش را از وسط دو نیم کردند...

و از بلاذری نقل شده که عمار برادری نیز داشت بنام عبدالله که او را نیز پس از پدر و مادرشهادت رسانده و کشتند.^۷ و در کتاب «الاصابة» ابن حجر عسقلانی آمده است که چون ابو جهل در جنگ بدر بدست مسلمانان بقتل رسید رسول خدا (ص) بعمار فرمود:

«قتل الله قاتل ابيک»^۸!

خداوند قاتل پدرت را کشت!

ادامه دارد

(۱) اسد الغابۃ ج ۱ ص ۴۴.

(۲) سیرة المصطفی ص ۱۴۳.

(۳) ارقم بن ابی ارقم از مسلمانان صدر اسلام است که بگفته ابن اثیر جزری در اسد الغابة دوازدهمین نفری بود که مسلمان شد و خانه اش در پانین کوه صفا قرار داشته و چون رسول خدا و مسلمانان اندکی که به او ایمان آورده بودند از آزار مشرکان یمنناک گشتند بخانه او پناه برده و در آنجا پنهان شدند تا وقتی که عدد آنها به چهل نفر رسیده و نیروئی پیدا کردند از آنجا خارج گشتند.

(۴) بطحاء به مسیل و جلگه ای گفته میشود که در اثر جریان سیل پر از شن و ماسه شده و در مکه چنین جایگاهی بوده که به «بطحاء مکه» معروف گشته است.

(۵) د متن گفتار رسول خدا (ص) که در کتابها ذکر شده این بود که میفرمود: «صبراً آل یاسر موندکم الی الی».

(۶) سورة النحل آیه ۱۰۶.

(۷) قاموس الرجال ج ۱۰ ص ۴۵۸.

(۸) الاصابة ج ۱ ص ۳۲۷.

بقیه از معاد

دیده و درک او پنهان بود می بیند و این عبارت که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل گردیده است که فرموده اند: «التاس نيام فاذا ماتوا انتبهوا» یعنی: مردم تا در این دنیا زنده هستند در خواب بسر می برند و هنگامی که می میرند بیدار می شوند بر همین مطلب دلالت دارد.

در جنگ بدر عده ای از مشاهیر قریش که از دشمنان سرسخت پیغمبر اسلام (ص) بودند و همواره نقشه هائی را برای جلوگیری از پیشرفت اسلام طرح می کردند و برای تضعیف اسلام و خاموش نمودن چراغ هدایت توطئه ها می چیدند جمع شدند و با سازو برگ و تجهیزات بطرف مدینه آمده و این جنگ را علیه پیغمبر عزیز اسلام (ص) و

مسلمانان تشکیل دادند و سرانجام در این جنگ مغلوب گردیدند و تعداد ۷۰ نفر از آنها مانند «ابو جهل» و «عنه» و «شبهه» بدست جهادگران بزرگ اسلام کشته شدند به دستور پیغمبر اکرم (ص) اجساد آنها را در میان چاهی ریختند پیغمبر (ص) از آن پس به کنار چاه آمده آنها را صدا کرد و با آنها این چنین سخن گفت:

شما با پیغمبر خدا همسایه بودید ولی در عین حال او را مورد اذیت و آزار قرار دادید تا اینکه وی را از شهر مکه اخراج کردید و بعد از آن اجتماع کرده علیه او این جنگ را به راه انداختید اکنون من وعده خداوند را در باره خود درست یافتم آیا شما هم وعده خدا را درست یافتید؟ (خداوند بمن وعده نصرت

و غلبه بر شما را داده بود) در این حال تعدادی از همراهان پیغمبر (ص) گفتند یا رسول الله اینها مرده اند و تو چگونه با مردگان سخن می گوئی حضرتش در پاسخ فرمودند «انهم اسمع منکم» آنها بهتر از شما می شنوند و بالاخره این مطلب که پس از تحقق مرگ فهم و درک انسان قدرت بیشتری پیدا می کند و در شعاع دید و درک انسانها وسعت بیشتری پدید می آید مطلبی است که از احادیث بسیاری بدست می آید.

ادامه دارد

۱- سوره واقعه. آیه ۶۰.

۲- نهج البلاغه. خطبه ۱۸۱. ۷- سوره انعام. آیه ۹۴.

۳- سوره آل عمران آیه ۱۸۵. ۸- بحار ج ۶ ص ۲۲۴.

۴- سوره انبیاء. آیه ۳۵. ۹- بحار ج ۳ ص ۱۴۹.

۵- تفسیر المیزان. ج ۱۴ ص ۳۱۵.

۶- سوره عنکبوت. آیه ۵۷.